



سرشناسه:	اسکندارلو، محمدجواد، ۱۳۴۰ Eskandarloo, Muhammad Jawad
عنوان و نام پدیدآور:	قرآن و عرفان (تفسیر موضوعی آیات عرفانی) مؤلف، محمدجواد اسکندارلو
مرجع تولید:	معاونت پژوهش
مشخصات نشر:	قم، نورالامین، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری:	۲۰۸ ص
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۷۱۵۶-۱۶-۴
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
یادداشت:	کتابنامه: ص ۲۰۵ - ۲۰۸
موضوع:	عرفان -- جنبه های قرآنی
موضوع:	Mysticism -- Qur'anic teaching
موضوع:	تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴
موضوع:	20th century -- Qur'an -- Shiite hermeneutics
رده بندی کنگره:	BP۱۰۴
رده بندی دیویی:	۲۹۷/۱۵۹
شماره کتابشناسی ملی:	۷۶۱۰۶۵۱
وضعیت رکورد:	فیبا

NBP ۳۶

### قرآن و عرفان (تفسیر موضوعی آیات عرفانی)

مؤلف: محمدجواد اسکندارلو

چاپ اول: ۱۴۰۰ ش / ۱۴۴۲ ق

ناشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

● چاپ: چاپخانه دیجیتال المصطفی ﷺ ● قیمت: ۴۹۰۰۰۰ ریال ● شمارگان: ۵۰۰

با تشکر از دست اندرکارانی که ما را در تولید این اثر یاری رساندند.

● مدیرانتشارات: مصطفی نوبخت

● مدیر تولید: جعفر قاسمی بهری

● ناظر فنی: سید محمدرضا جعفری

● ناظر گرافیک: مسعود مهدوی

pub.nooralamin@gmail.com

#### همه حقوق برای ناشر محفوظ است

هرگونه نسخه برداری اعم از کپی برداری و بازنویسی و انتشار، اسکن، ذخیره کامپیوتری، ترجمه به زبان های دیگر و ساخت فایل صوتی کتاب، بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع، شرعاً حرام و از طریق مراجع قانونی، قابل پیگیری است.

شماره تماس:

همراه: ۰۹۰۱۵۸۲۱۷۶۳ / خط ثابت: ۰۲۵۳۷۸۳۹۳۰۹ داخلی ۴۱۱ و ۲۱۰

# قرآن و عرفان

(تفسیر موضوعی آیات عرفانی)



محمدجواد اسکندرلو

معارف اسلامی ناب، نیاز بشر تشنه معنویت امروز است. در این دوران، که بسیاری آن را عصر پایان جهان می‌دانند، گرایش به دین و معنویت، سرعتی شگفت یافته است. در این میان، اسلام بیشترین سهم را از این گرایش به دین دارد و چرا چنین نباشد؟ اسلام، دین انسانی زیستن، عدالت‌پروری و عشق به هم‌نوع است و بشر این عصر، این گوهر گمشده را در اسلام ناب یافته است.

از سوی دیگر، گسترش پُرشتاب رسانه‌ها و ابزارهای انتشار اطلاعات، بی‌وقفه موجب پدید آمدن پرسش‌ها و شبهات جدیدی می‌شود که تا اندکی پیش از این، هیچ‌یک از آنها قابل تصور نبود. این انفجار اطلاعات، به‌ویژه در دنیای مجازی، اغلب فرصت ژرف‌اندیشی را از انسان سلب می‌کند و همین موجب شناخت نادرست یا ناقص از بسیاری امور، به‌ویژه مفاهیم و معارف دینی می‌گردد.

بنابراین، تبلیغ و نشر مؤثر معارف اسلامی ناب، رسالت خطیری است که بر عهده همه متولیان این امر می‌باشد. بدون تلاش خالصانه و آگاهانه برای رسیدن به این هدف، پتانسیل عظیمی که در گرایش بشر به معنویت در این عصر پدید آمده است، به هدر خواهد رفت.

نشر «نورالامین»، به سهم خود می‌کوشد تا بخش اندکی از رسالت عظیم نشر معارف اسلامی ناب را به بهترین شکل ممکن انجام دهد و در این راستا از پیشنهادها و انتقادهای همه فرهیختگان این عرصه، برای غنا بخشیدن به آثار خود استقبال می‌کند.

---

## فهرست

---

- مقدمه ..... ۹
- فصل اول: کلیات (مفاهیم، تاریخچه و شرایط تفسیر اشاری و عرفانی) ..... ۱۳
- مفهوم عرفان اسلامی و پیدایش آن ..... ۱۳
- پیدایش تفسیر عرفانی ..... ۱۷
- تفسیر رمزی در مکتب ابن عربی ..... ۲۵
- تفسیر رمزی در مذهب باطنیه ..... ۲۸
- ارزیابی تفسیر رمزی ..... ۳۰
- معیارهای تفسیر اشاری صحیح ..... ۳۲
- دیدگاه زرقانی ..... ۳۳
- دیدگاه عبدالرحمن العک ..... ۳۴
- دلایل مخالفان تفسیر اشاری و عرفانی ..... ۳۴
- دلایل موافقان تفسیر اشاری - عرفانی ..... ۳۶
- فصل دوم: تفسیر آیات عرفانی ..... ۴۱
- پیش‌گفتار ..... ۴۱
- تفسیر آیات مربوط به عرفان فطری ..... ۴۱
- فطری بودن خداگرایی و خداپرستی از نگاه قرآن ..... ۴۳
۱. در آیه سی‌ام سوره روم ..... ۴۳
۲. آیه ۶۵ سوره عنکبوت ..... ۴۵

- ۴۶ \_\_\_\_\_ ۳. آیه ۲۲ سوره یونس \_\_\_\_\_
- ۴۸ \_\_\_\_\_ ۴. آیه ۳۲ سوره لقمان \_\_\_\_\_
- ۴۹ \_\_\_\_\_ عرفان نظری \_\_\_\_\_
- ۴۹ \_\_\_\_\_ ۱. آیه ۷۵ سوره انعام \_\_\_\_\_
- ۵۰ \_\_\_\_\_ دلایل توحید در آسمان‌ها \_\_\_\_\_
- ۵۳ \_\_\_\_\_ ۲. آیه ۵۳ سوره فصلت \_\_\_\_\_
- ۵۴ \_\_\_\_\_ ۳. آیه ۲۰ و ۲۱ سوره ذاریات \_\_\_\_\_
- ۵۶ \_\_\_\_\_ ۴. آیه ۱۶۴ سوره بقره \_\_\_\_\_
- ۵۸ \_\_\_\_\_ ۵. آیه چهارم سوره رعد \_\_\_\_\_
- ۶۰ \_\_\_\_\_ ۶. آیه ۷۹ سوره نحل \_\_\_\_\_
- ۶۰ \_\_\_\_\_ ۷. آیه ۷۹ سوره انعام \_\_\_\_\_
- ۶۱ \_\_\_\_\_ عرفان نظری (راهی از درون) \_\_\_\_\_
- ۶۱ \_\_\_\_\_ ۱. آیه ۵۳ سوره فصلت \_\_\_\_\_
- ۶۲ \_\_\_\_\_ ۲. آیه ۱۱۵ سوره بقره \_\_\_\_\_
- ۶۴ \_\_\_\_\_ ۳. آیه چهارم سوره حدید \_\_\_\_\_
- ۶۵ \_\_\_\_\_ ۴. آیه شانزدهم سوره قاف \_\_\_\_\_
- ۶۷ \_\_\_\_\_ ۵. آیه ۲۴ سوره انفال \_\_\_\_\_
- ۶۷ \_\_\_\_\_ ۶. آیه ۳۵ سوره نور \_\_\_\_\_
- ۷۲ \_\_\_\_\_ ۷. آیه ۴۱ سوره نور \_\_\_\_\_
- ۷۶ \_\_\_\_\_ ۸. آیه ۴۰ سوره نور \_\_\_\_\_
- ۷۸ \_\_\_\_\_ ۹. آیه ۲۹ سوره حجر \_\_\_\_\_
- ۸۰ \_\_\_\_\_ ۱۰. آیات آغازین سوره حدید \_\_\_\_\_
- ۸۰ \_\_\_\_\_ آیات ژرف اندیشان! \_\_\_\_\_
- ۸۴ \_\_\_\_\_ جمع اضداد در صفات خدا \_\_\_\_\_
- ۸۷ \_\_\_\_\_ فصل سوم: عرفان عملی و نور الهی (تفسیر آیات عرفان عملی) \_\_\_\_\_
- ۸۷ \_\_\_\_\_ آیه ۱۲۲ سوره انعام \_\_\_\_\_
- ۹۵ \_\_\_\_\_ آیه ۲۸ سوره حدید \_\_\_\_\_

- آنان که دو سهم از رحمت الهی دارند ..... ۹۷
- آیه ۲۵۷ سوره بقره ..... ۹۹
- آیه ۲۲ سوره زمر ..... ۱۰۴
- آیه ۱۵ و ۱۶ سوره مائده ..... ۱۰۹
- آیه ۲۹ سوره انفال ..... ۱۱۴
- مهم‌ترین فواید و آثار تقوا ..... ۱۲۰
- آیه ۲۴ سوره یوسف ..... ۱۲۲
۱. جهاد با نفس ..... ۱۲۹
۲. پاداش اخلاص ..... ۱۳۱
۳. متانت و عفت بیان ..... ۱۳۲
- آیه ۳۹ و ۴۰ سوره حجر ..... ۱۳۵
- آیه ۵۴ سوره مائده ..... ۱۳۸
- اوصاف پنج‌گانه یاوران دین ..... ۱۳۹
۱. محبوب و محب خدا بودن ..... ۱۳۹
۲. نرم‌رفتاری با مؤمنان ..... ۱۴۱
۳. ستبری در برابر کافران ..... ۱۴۲
۴. جهاد در راه خدا ..... ۱۴۲
۵. اثرناپذیری از سرزنش ملامت‌گران ..... ۱۴۳
- کارکرد فضل الهی ..... ۱۴۳
- اشارات و لطایف ..... ۱۴۴
۱. قول فصل و حق و مطلق ..... ۱۴۴
۲. قلب سرشار از محبت خداوند ..... ۱۴۵
۳. محفوف بودن هر کمال به الطاف الهی ..... ۱۴۶
- آیه ۱۱۱ سوره کهف ..... ۱۴۸
- فصل چهارم: نسخه‌های قرآنی سیر و سلوک الی الله ..... ۱۵۱
- نسخه عبادالرحمان ..... ۱۵۱

- ۱۶۵ \_\_\_\_\_ نسخه مؤمنون
- ۱۶۵ \_\_\_\_\_ اولین ویژگی مؤمنان: خشوع در نماز
- ۱۶۶ \_\_\_\_\_ دومین ویژگی مؤمنان: روی گردانی از لغو
- ۱۶۷ \_\_\_\_\_ سومین ویژگی مؤمنان: پرداخت زکات
- ۱۶۸ \_\_\_\_\_ چهارمین ویژگی مؤمنان: پاک دامن و عفت
- ۱۶۹ \_\_\_\_\_ پنجمین و ششمین ویژگی مؤمنان: مراعات نمودن امانت‌ها و عهدها
- ۱۷۱ \_\_\_\_\_ هفتمین ویژگی مؤمنان: محافظت بر نمازها
- ۱۷۳ \_\_\_\_\_ هفت نکته درباره خشوع در نماز
- ۱۷۴ \_\_\_\_\_ پیشتازان در سیروسلوک الی الله
- ۱۷۷ \_\_\_\_\_ نسخه ذاکرین
- ۱۸۰ \_\_\_\_\_ نکته‌ها
- ۱۸۰ \_\_\_\_\_ نکته اول: یاد خدا در همه حال
- ۱۸۲ \_\_\_\_\_ نکته دوم: توضیحی درباره لقاء الله
- ۱۸۳ \_\_\_\_\_ نکته سوم: پاداش‌های مؤمنان، هم‌اکنون آماده است
- ۱۸۵ \_\_\_\_\_ قلب مطمئن
- ۱۸۷ \_\_\_\_\_ نسخه آمرین به معروف و ناهیان ازمنکر
- ۱۹۲ \_\_\_\_\_ اهمیت امر به معروف و نهی ازمنکر
- ۱۹۳ \_\_\_\_\_ اهمیت امر به معروف و نهی ازمنکر از منظر روایات اسلامی
- ۱۹۵ \_\_\_\_\_ نسخه تائبین
- ۱۹۹ \_\_\_\_\_ توبه و انابه
- ۲۰۵ \_\_\_\_\_ کتابنامه



---

## مقدمه

---

انسان بر اساس آیات کریمه قرآن، به گونه فطری طالب خدای سبحان بوده و جوینده اوست؛ گرچه دنیاطلبی و توجه بشر به گونه‌های مختلف شهوات و لذایذ مادی بر این اصیل‌ترین گرایش انسانی حجابی می‌شود و او را از پرداختن به آن بازمی‌دارد. خداوند در آیه سی‌ام سوره روم می‌فرماید:

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾: پس حق‌گرایانه، به سوی این آیین روی آور، (با همان) فطرتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. تغییری در آفرینش خدا نیست. آیین پایدار همین است لکن بیشتر مردم نمی‌دانند». آری! بیشتر مردم نمی‌دانند که گمشده آن‌ها خداست و با رسیدن به اوست که روح ناآرامشان به قرار و آرامش می‌رسد. از این رو بسیاری از مردم دنیا را می‌بینیم که در تکاپوی ماده و مادیات هستند و گمشده خود را در بهوت امور مادی و دنیایی جست‌وجو می‌کنند. اما در این میان، اندک کسانی را نیز می‌توان یافت که دل در گرو حقیقت هستی دارند و شب و روز در طلب اویند و او را می‌جویند. آنان همانانند که جلودار و قافله‌سالاران حدیث محبت و عشق را چنین زمزمه می‌کند: «و استغفرک من کلّ لذة بغیر ذکرک»!

بار خدایا! از هر لذتی که غیر از لذت ذکر تو باشد، استغفار می‌کنم.  
 این آویختگان بارگاه قدسی الله، باور و احساس قلبی و حقیقی‌شان این است که با خدا همه چیز دارند و بی او هیچ ندارند و این حقیقت را چنین فریاد می‌زنند: «ماذا وجد من فقدک و ما الذی فقد من وجدک»: <sup>۱</sup> چه دارد آن که تو را ندارد؟! و چه ندارد آن که تو را دارد؟! اینان همانانند که عاجزانه و از سر صدق و اخلاص از محبوب خویش می‌خواهند: «الهی هب لی کمال الانقطاع الیک»: <sup>۲</sup> بارالها! کامل‌ترین انقطاع به سوی خودت را نصیب من گردان.

حقیقت عبودیت و بندگی، آن‌گاه در آئینه جان آدمی تجلی می‌یابد که به رشته محبت الهی متصل گردد و رشته محبت خداوند نیز به حبل معرفت شهودی آن ذات اقدس گره خورده است. امام صادق علیه السلام نیز در حدیثی به این پیوستگی اشاره می‌فرماید: «ان اولی الالباب الذین عملوا بالفکره حتی ورثوا منه حب الله»: <sup>۳</sup> خردمندان، آن کسانی هستند که اندیشه را به کار می‌گیرند تا بر اثر آن، محبت خدا را به دست آورند».

### عرفان چیست؟

دو واژه «عرفان» و «معرفت» از نظر لغوی معنای یکسانی دارند و هر دو به معنای «شناختن» هستند. این شناخت می‌تواند از طریق «حس»، «عقل»، «نقل» یا «دل» حاصل شده باشد. از این رو از نظر لغوی تفاوتی بین انواع شناخت‌ها نیست و به همه آن‌ها می‌توان «عرفان» اطلاق کرد.

اما در اصطلاح، «عرفان» از «معرفت» تفکیک شده و به معنای خاص به کار می‌رود؛ درحالی‌که واژه «معرفت» اطلاق دارد و هر نوع شناختی را شامل

۱. همان، دعای عرفه امام حسین علیه السلام.

۲. همان، اعمال مشترکه ماه شعبان، عمل هشتم.

۳. بحارالانوار، ج، ۲۶، ص ۴۰۳، باب ۴۶، روایت ۱۵.

می‌شود. «عرفان» در اصطلاح به شناخت ویژه‌ای اختصاص یافته که از راه حس و تجربه یا عقل و نقل به چنگ نمی‌آید، بلکه از راه شهود درونی و دریافت باطنی حاصل می‌شود. شهود قلبی و دریافت باطنی که شناختی بی‌واسطه است و به گونه مستقیم، خود معلوم مورد ادراک قرار می‌گیرد، در اصطلاح فلسفی، «علم حضوری» نامیده می‌شود. علم حضوری برخلاف «علم حصولی» از راه تجربه، فکر و استدلال و مفاهیم ذهنی به دست نمی‌آید. هر جا که سر و کار ما با مفهوم، تفکر و تعقل باشد، حاصل تلاش ما نیز امر عقلانی دیگری خواهد بود که از سنخ مفاهیم است؛ حال آن‌که عرفان، شناخت حضوری است و از سنخ مفاهیم نیست. شناخت‌ها و علوم حضوری فراوانند و به هر علم حضوری و شهود درونی «عرفان» گفته نمی‌شود؛ بلکه به طور خلاصه، «عرفان» عبارت است از: شناخت خدای متعال، صفات و افعال او، شناختی که نه از راه فکر و استدلال، بلکه از طریق ادراک قلبی و دریافت باطنی حاصل شود. عرفان یعنی شناخت خدا، ولی نه غایبانه و از راه عقل و برهان، بلکه با قلب و دل و رؤیت حضور او در عمق جان.<sup>۱</sup>

### عرفان نظری و عرفان عملی

عرفان نظری به تفسیر هستی می‌پردازد و درباره خدا و جهان و انسان بحث می‌کند. عرفان در این بخش مانند فلسفه الهی است که در مقام تفسیر و توضیح هستی است. همچنان که فلسفه الهی برای خود موضوع، مبادی و مسائل معرفی می‌کند، عرفان نیز موضوع و مسائل و مبادی معرفی می‌کند. ولی البته فلسفه در استدلالات خود، تنها به مبادی و اصول عقلی تکیه می‌کند و عرفان مبادی و اصول به اصطلاح کشفی را مایه استدلال قرار می‌دهد و آن‌گاه آن‌ها را با زبان عقل توضیح می‌دهد.

۱. اقتباس از کتاب در جست‌وجوی عرفان اسلامی، مصباح یزدی، ص ۱۳-۱۵ و ۳۳.

استدلالات عقلی فلسفی مانند مطالبی است که به زبانی نوشته شده باشد و با همان زبان اصلی مطالعه شود؛ ولی استدلالات عرفانی مانند مطالبی است که از زبان دیگر ترجمه شده باشد، یعنی عارف دست کم به ادعای خودش آنچه را که با دیده دل و با تمام وجود خود شهود کرده است، با زبان عقل توضیح می دهد. نوع بینش فیلسوف و عارف متفاوت است. فیلسوف می خواهد جهان را فهم کند و تصویری صحیح و نسبتاً جامع و کامل از جهان در ذهن خود داشته باشد. از نظر فیلسوف حد اعلای کمال انسان به این است که جهان را چنان که هست، با عقل خود دریابد؛ به گونه ای که جهان در وجود او، وجود عقلانی بیابد و او جهانی شود عقلانی. اما از نظر عارف کمال انسان به این است که با قدم سیر و سلوک به اصلی که از آنجا آمده است، بازگردد و دوری و فاصله را با ذات حق از بین ببرد و در بساط قرب، از خود فانی و به او باقی گردد. اما بخش عرفان عملی عبارت است از آن قسمت که روابط و وظایف انسان را با خودش و با جهان و با خدا بیان می کند و توضیح می دهد. عرفان در این بخش مانند اخلاق است؛ یعنی یک «علم» عملی است که درباره «چه باید کرد»ها بحث می کند؛ با این تفاوت که اولاً عرفان درباره روابط انسان با خودش و با جهان و با خدا بحث می کند و عمده نظرش درباره روابط انسان با خداست؛ حال آن که همه سیستم های اخلاقی ضرورتی نمی بینند که درباره روابط انسان با خدا بحث کنند. فقط سیستم های اخلاقی مذهبی این جهت را مورد عنایت و توجه قرار می دهند. ثانیاً سیر و سلوک عرفانی، پویا و متحرک است؛ برخلاف اخلاق که ساکن است؛ یعنی در عرفان سخن از نقطه آغاز است و از مقصد و منازل و مراحل است که به ترتیب سالک باید طی کند تا به سرمنزل نهایی برسد، بحث می کند.<sup>۱</sup>

۱. ر.ک: آشنایی با علوم اسلامی: کلام، عرفان: مرتضی مطهری، ص ۷۶.